

پیشامدهای باور نکردنی

از شوروی تا روسیه

ترجمه و تلخیص از: لوموند دیپلماتیک سپتامبر ۱۹۹۳

گروه مترجمین «فرهنگ توسعه»

در تمامی روسیه وضع اقتصادی در حال بدتر شدن است و بیم آن می رود که نظام اقتصادی از هم پاشیده شود و همزمان با آن نبرد قدرت نیز ادامه دارد. در گیربهای سیاسی اجازه نمی دهند که مدیریت کشور با تمامی قوا به مشکلاتی که در حال انهدام کشور هستند رو بیاورند. نابرابری، فقر و جنایت، از پر مصیبت ترین مشکلات هستند. در گوشه و کنار خیابانها، در گوشه میدانها و در جاهای مناسب، بازارهای جدید با فروشندگان جدید و خریداران جدید تشکیل شده است. زنان، پیرزنان، پیرمردان، و مردانی که اثاثیه کهنه خود را برای فروش عرضه می کنند، یک دست بشقاب، فرش کهنه، قابلمه، یک شیشه مشروب الکلی، یک جعبه شیرینی یا نان، لباس، ... در مسکو همچون شهرهای دیگر آدمیان را با هر سن و سالی می توان دید که هر چیزی را می فروشند و می خرند. تورم هرگونه صرفه جویی و پس اندازی را می بلعد. تورم سال پیش ۲۶۰۰٪ بود. بیکاری زنان و جوانان و مردان در این کشور بیداد می کند. ۸۰٪ بیکاران در مسکو زن هستند. ۵۱٪ نیروی کار شوروی را زنان تشکیل می دادند که هم اکنون این رقم در حالت نزولی است. هر بیکار از طرف دولت مبلغ ۴۷۰۰ روبل (برابر ۳۰ فرانک فرانسه) در ماه دریافت می کند. حداقل دستمزد ۷۷۴۰ روبل است (برابر ۴۷ فرانک فرانسه) خط فقر در این کشور در مرز ۳۰۰۰۰ روبل قرار دارد. ۸۷٪ اشخاص به این خط نمی رسند (یعنی زیر خط فقر هستند). از این پس هر خانواده ای ۸۰٪ در آمد خود را به مواد غذایی اختصاص می دهد. از سال

۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ مصرف گوشت به میزان ۱۴٪، لبنیات ۲۵٪ ماهی ۲۴٪ و میوه ۱۹٪ تقلیل یافته است. در عوض مصرف نان و سیب زمینی از ۵٪ تا ۷٪ افزایش یافته است.

قربانیان این فقر روز افزون بیش از همه، بچه ها هستند. بچه هایی که مطابق آمار رسمی خانه ها را ترک کرده اند تا در زیرزمینها زندگی کنند، یا به گروه جنایتکاران بپیوندند، تعداد آنها ۱۵۴۰۰۰ نفر است. در سال ۱۹۹۲، ۲۰۰۰۰۰ جنایت توسط اطفال انجام گرفته است. این رقم به تنهایی از رقم ارتكابی ۲۵ سال گذشته، بالاتر رفته است. مادران فرزندان را به دزدی و فروش اجناس تشویق می کنند و این کار بیشتر در راهروی متروها و معمولاً دو نفری و یا با ریختن قرصهای خواب آور در نوشیدنی مشتری، انجام می شود. حتی دختران ۱۲ ساله ای دیده می شوند که به خود فروشی می پردازند.

بیشتر سقط جنینها علت اقتصادی دارد (رقم رسمی ۸۰۰۰،۰۰۰ و رقم واقعی و اعلام نشده را ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ تخمین می زنند). ۳۴۰۰۰ مادر در سال ۱۹۹۲ از دریافت نوزاد خود از زایشگاه خودداری کردند. یتیم خانه ها پر شده اند. اطفال در سن ۱۵ سالگی باید این مراکز را ترک کنند و به جامعه بیکاران و باندهای جنایتکار بپیوندند.

مدارس از نبود بودجه رو به خرابی می روند. آموزگاران از کمی حقوق به بی تفاوتی کشیده می شوند. انواع خلافتکاریها در مدارس شدت می گیرد. در مدرسه ای (در سن پترزبورگ) دو کودک دبستانی، کودک دیگری را کشتند، تا لباس او را بردارند.

مراکز ورزشی و تفریحی که در اختیار کمونیستها بود، تمامی بسته شده، و مراکز جدیدی برای فرزندان ثروتمندان باز شده

است. مدارس با امکانات خوب برای بچه هایی آماده است که پدرانشان بتوانند هزینه آنها را با ارز بپردازند. وضع بد مدارس روز به روز بدتر می شوند. دانشگاه ها هم سیستم هدیه و حق حصار حتی برای ورودی کنکور و ... رایج شده است. بی کمک والدین امکان درس خواندن نیست. دروس شبانه از رونق افتاده است. دختران دانش آموز، به صورت گداز در چهار بار در ماه خودفروشی می کنند تا بتوانند هزینه درس خواندن خود را تأمین کنند.

در روسیه همه ارزشها ناپدید شده اند. مگر یکی: پول. بانکها مثل فارچ می رویند، ۱۵۵۵ بانک در کل کشور ۱۲۰۰ شعبه تبدیل ارز، تنها در مسکو رئیس خدمات مالیاتی بانکی دولت می گفت: ۷۹٪ بانکها مرتکب جرایم مقررات بانکی شده اند، تا بتوانند ۱۰۰ میلیون روبل مالیات سال پیش را ندهند. بانکها جانشین مدارس می شوند که به علت نداشتن بودجه بسته می شوند. دومی کودکان آنها به دلیل مالی تعطیل شده اند. کتابهای درسی ارزان است، گروههای مافیایی آنها را خریداری می کنند تا به عنوان کاغذ باطله در بازارهای غربی به فروش برسانند، و به نوبه خود کمبود کتب درسی را موجب می شوند.

روسیه، کشوری که همه تجارن می کنند. آنها علوم را به زیاده دانی ریخته اند. این سخن زن سوئیتسین، ناتالی، در رادیو مسکو است: «تمامی شهرهای علمی ساخته شده در سبیری خالی از سکنه شده اند. این مراکز بزرگ تحقیقاتی که در سطوح عالی تحقیق می کردند، امروزه همگی گرفتارهای سختی پیدا کرده اند، مزدها پائین است. فرار مغزها کار روزانه را مختل کرده است. پنجاه عضو مؤسسه پژوهشهای ژنتیک به



خارج رفته‌اند که بیشترشان در ایالات
متحده آمریکا مسکن گزیده‌اند. همین
دسبب در بخش تحقیقات فیزیک دانشگاه
دور سبیریک بوجود آمده است. در سال
۱۱۱۱، سن متوسط محققین ۳۰ سال بود که
بروزه به پنجاه سال رسیده است و جوانان
شبهانی به این کار ندارند.»

سال پیش بودجه بهداشت ۳۹٪ تقلیل
یافت. وضع بهداشت و خدمات بهداشتی
روز به روز بدتر می‌شود، بیمارستانها،
کلبه و وسایل از کار افتاده می‌شوند، مواد
غذایی نامطلوب و لوازم مداوای بیمار
کمیا می‌شود. در مواردی دارو و غذا به
نهد خود بیمار یا کسان اوست.
بیمارستانهای خصوصی برای ثروتمندان سر
برآورده‌اند. پنج بیمارستان از جمله مراکز
درمانی سرطان (با ۱۱۰۰ تختخواب)، به
بهاه تعمیرات بسته شده است. سل دوباره
شیوع پیدا کرده است. در ۱۹۹۲، ۳۵
بیمار مسلول در صد هزار نفر وجود داشت؛
که در سه سال آینده به صد نفر در
صد هزار نفر خواهد رسید. هر کپسول
روبی برای سل ۳۵۰ روبل است که اگر
کسی گرفتار این بیماری باشد، حقوق
دامنه‌اش را باید برای روزی دو کپسول
خرج کند. بیماری دیفتیری نیز به علت
بودن واکنش شیوع پیدا کرده است. زندانها
پر شده است؛ در حالی که نمی‌توانند غذای
زندانها را تهیه کنند. بدهی سه ندامتگاه
مسکو به ۲۸۹ میلیون روبل می‌رسد.
دوستان و خویشان زندانیان برای آنها
گسرو و مواد غذایی می‌فرستند.

وضعیت برای مردگان نیز همین گونه
است. کسانی که نمی‌توانند هزینه ۷۰۰۰۰
روبی کفن و دفن را بپردازند، مرده آنها
در سردخانه نگهداری می‌شود و هر سی
چهل نایی با هم در یک گور مشترک،
برادرانه دفن می‌شوند.
در روسیه امروزی هر چیزی را می‌توان

جهان شده است. گزارشهای داده شده
حاکمی است که به راحتی با گروهها کنار
می‌آیند و ساکت می‌شوند. از جمله، ۳۰
هزار پلیس، اعم از کارمند پلیس یا
پلیسهای وظیفه، پرونده داشته و تحت
تعقیب هستند.

روشنفکران دیروز، امروز برای بازار
می‌سرایند. شنیده می‌شود که می‌گویند
عامل اصلی همه مصیبتهای بشری «مبارزه
برای عدالت اجتماعی است». «هر کس
برای خودش» شعاری است که همه جا به
گوش می‌رسد. مناطق مختلف را می‌شنویم
که هر روز اعلام استقلال می‌کنند تا بتوانند
ثروت‌های خود را استخراج کنند و با
بیگانگان قرارداد ببندند و آنها را
بفروشند. واژه همبستگی از زبان عمومی
ناپدید شده است. کمونیستها نتوانستند
خود را با جامعه جدید انطباق دهند و
تمامی دستاوردهای مترقی در یک لحظه بر
باد رفت.

خرید و هر کسی را می‌توان با رشوه فاسد
کرد. موارد استثناء نادر هستند.

گذشته از بحران و خراب شدن روز به
روز اوضاع، شهروندان مشکل نا امنی
فردی خود را نیز دارند. در شش ماه اول
سال ۱۹۹۳ آمار قتل ۴۷٪ (قتل ۱۴۸۰۰
نفر) و تجاوز جنسی ۱۵/۸٪ افزایش
داشته است. ۳۰۰۰ گروه سازمان یافته
(مافیایی به اسم محلی) زیر نظر ۱۵۰
سازمان، زمینه کار را برای خود تعریف و
تقسیم کرده و در سرزمین روسیه مشغول به
کار هستند. مؤسسه‌های قلابی، نگاههای
خصوصی شده را به صورت موفقیت آمیز
تصاحب کرده‌اند.

در گیربها میان گروهها زیاد است. در
چند ماه گذشته، در گیربهای خیابانی میان
گروهها و تسویه حساب هایشان بیش از
پنجاه کشته در گوشه و کنار خیابانها و
مغازه‌ها و بازارها به جا گذاشته است.
پلیس روسیه از جمله فاسدترین پلیسهای